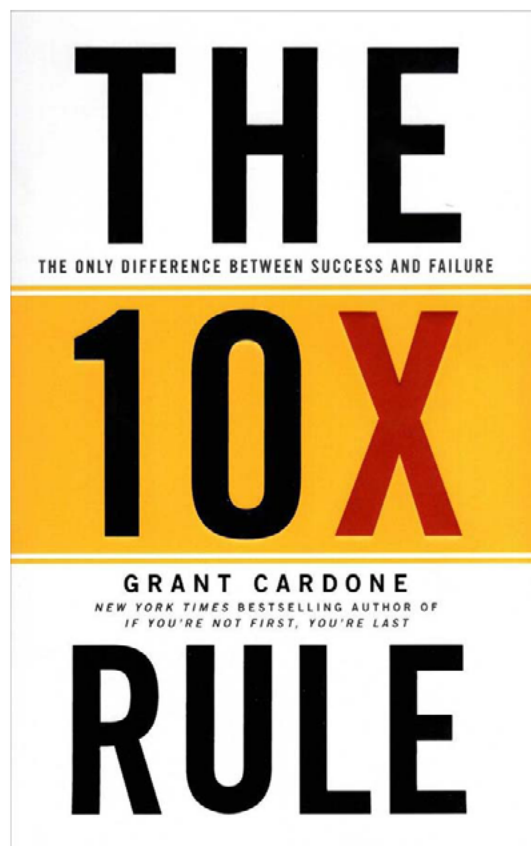


خلاصه کتاب قانون ۱۰ برابر

خلاصه بر اساس برداشت شخصی قانون ۱۰ برابر

(برای درک بهتر اثر، بهتر است اصل کتاب مطالعه شود)

نویسنده: گرنت کاردون



خلاصه کتاب قانون ۱۰ برابر

اصل قانون ۱۰ برابر این است که ما میزان تلاش و فکری که برای رسیدن به اهداف بزرگ نیاز داریم را درست تخمین بزنیم.

اکثر ما به اشتباه برای خودمان برنامه‌های راحتی می‌چینیم و میزان تلاشی که برای رسیدن به موفقیت نیاز داریم را خیلی کمتر از حد واقعی در نظر می‌گیریم و همین امر باعث می‌شود میزان شانس موفقیت ما کمتر شود.

پس بخش اول قانون ده برابری میزان عمل‌گرایی و تلاش ما را زیر نظر دارد و بخش دوم قانون، طرز فکرمان را.

نویسنده معتقد است موفقیتش را مدیون این قانون است و همیشه ۱۰ برابر دیگران تلاش کرده!

برای اینکه بتوانیم به اهدافی بالاتر از سطح فعلی‌مان برسیم، باید طرز فکر و عملکردی متفاوت با شرایط فعلی داشته باشیم.

افکار و تلاشی که تا الآن داشتیم، دستاوردهای امروز را برایمان ساخته.

پس باید برای موفقیت بیشتر، هر ۲ رو تغییر دهیم.

همیشه هدفی را انتخاب کنیم که ما را مجبور به رشد و پیشرفت کند.

همیشه وقتی به یک هدف می‌رسیم، باید خودمان را آماده سفر به هدف بعدی کنیم.

این راه انسان‌های فوق‌العاده موفق است.

تلاش مداوم برای رسیدن به هدف‌های بیشتر و بزرگ‌تر.

علاوه بر تلاش، همیشه باید بزرگ فکر کنیم، اگر فکر و باور درست نداشته باشیم، در مقابل سختی‌های مسیر موفقیت کم می‌آوریم.

پس اهدافی بزرگ‌تر از ده برابر شرایط فعلی ترسیم کنیم، ۱۰ برابر بزرگ‌تر فکر کنیم و ۱۰ برابر بیشتر تلاش کنیم.

چون افکار و آرزوهای ۱۰ برابری، تلاشی ۱۰ برابری می‌خواهند.

افراد موفق، همیشه مقداری کار می‌کنند و مقداری باور مثبت دارند که از نظر بقیه غیرمنطقی است.

یکی از این ۲ راه را انتخاب کنیم:

یا تا پایان عمر هر روز برای رشد و پیشرفت بیشتر تلاش کنیم و به اهداف جدید برسیم.

یا دیگران را با اهدافشان برسانیم.

اگر گزینه اول را انتخاب کنیم، باید از قانون ۱۰ برابری استفاده کنیم و دیگر دنبال تلاش عادی نباشیم.

فصل ۲:

خلاصه کتاب قانون ۱۰ برابر

همیشه در زندگی با حوادثی برخورد می‌کنیم که از قبل نتوانستیم پیش‌بینی کنیم. مثل بحران‌های اقتصادی، بیماری‌ها، تحریم، جنگ و ... تنها راهی که می‌تواند ما را از این شرایط غیرقابل‌پیش‌بینی نجات دهد، قانون ۱۰ برابر است. وقتی ما برنامه‌هایمان را بر اساس شرایط معمولی می‌چینیم، با هر بحرانی، همه برنامه‌ها و کارهای ما به هم می‌ریزد. ولی وقتی تلاش ۱۰ برابر شرایط عادی می‌کنیم، هیچ بحرانی ما را از پا دریاورد. افراد موفق و رهبران بزرگ، در بحران‌ها به‌جای اینکه عقب‌نشینی کنند، تلاش خود و سازمانشان را بیشتر می‌کنند. موضوع مهمی که وجود دارد این است که هر هدفی در هر شرایطی قابل‌دستیابی است، فقط نیاز به انجام تلاش به مقدار مناسب و درست دارد. باید بدانیم ما برای هدفمان خیلی مشتاق هستیم، ولی بقیه این اشتیاق را ندارند. به همین دلیل ما باید چند برابر بیشتر از مقدار عادی تلاش کنیم تا بقیه را نسبت به هدف خودمان مشتاق کنیم و با خودمان همراه کنیم. هیچ‌وقت دنبال بهانه آوردن نباشیم. با تمام وجود به سمت هدفمان حمله کنیم. در واقع موفقیت حاصل تعداد زیادی کارهای کوچک است که با قدرت و با تلاش زیاد انجام می‌شوند. هر چه تلاشمان را بیشتر کنیم، شانس‌های جدیدی سر راهمان سبز می‌شود و اتفاقات بزرگی را تجربه می‌کنیم.

فصل ۳:

هرکدام از ما با توجه به سن، شرایط، اتفاقات و برداشت‌هایی که از زندگی داریم، تعریف متفاوتی از موفقیت داریم. نویسندگان معتقد است هر تعریفی از موفقیت داشته باشیم، ۳ نکته را باید مدنظر داشته باشیم:

- ۱- موفقیت بسیار مهم است.
- ۲- موفقیت وظیفه ماست.
- ۳- هیچ کمبودی در موفقیت وجود ندارد.

اغلب افراد در مورد اینکه موفقیت مهم است اتفاق نظر دارند. وقتی موفقیت نباشد، بقای انسان هم زیر سؤال می‌رود. هر چیزی در دنیا (چه موجود زنده‌ای مثل انسان، چه یک شرکت، چه ذهن ما و ...) همگی باید هر لحظه در حال رشد و توسعه باشد.

خلاصه کتاب قانون ۱۰ برابر

اگر رشد مستمر وجود نداشته باشد، قطعاً نابودی را تجربه خواهند کرد. در تاریخ نمونه‌های زیادی از تمدن‌ها و کارها و موجودات فقط به خاطر اینکه به دنبال رشد نبودند، نابود شدند. پس حتماً یادمان باشد موفقیت، یک موضوع حیاتی و بسیار مهم است. این موضوع خیلی دردناک است، ولی کسانی که موفق نمی‌شوند و از عهده مخارج زندگی و خانواده بر نمی‌آیند، حتی بقا و زندگی فردایشان در خطر است. حقیقت را قبول کنیم و بدانیم که موفقیت خیلی مهم است و در تکتک لحظات دنبال رشد و پیشرفت و برد باشیم.

فصل ۴:

به جای اینکه منتظر بمانیم تا موفقیت در زندگی ما ظاهر شود، باید آن را تبدیل به یک وظیفه برای خودمان کنیم. ما در مقابل خودمان و جامعه و خانواده و کسب‌وکارمان وظیفه‌داریم که به نتایج عالی برسیم. پس موفقیت، یک انتخاب و گزینه نیست، یک وظیفه است. وقتی موفقیت را به‌عنوان یک گزینه در نظر بگیریم، تمام توانمان را برای رسیدن به آن به کار نمی‌گیریم. ولی وقتی تبدیل به وظیفه می‌شود، هیچ‌وقت دنبال بهانه‌جویی نخواهیم بود و تمام انرژی و توانمان را در این راه استفاده می‌کنیم. باید مراقب باشیم در مسیر رسیدن به اهداف، هیچ‌وقت در اثر چند شکست کوتاه نیاییم. همه افراد موفق شکست‌های زیادی را تجربه کردند و اگر کم می‌آوردند، هیچ‌وقت نام آن‌ها را نمی‌شنیدیم. پس خودمان را آماده کنیم که با تلاش و تعهد بالا و با ذهنی آماده، به سمت وظیفه خودمان، یعنی موفقیت حرکت کنیم.

فصل ۵:

یکی از اشتباهات افراد ناموفق، این است که فکر می‌کنند مقدار موفقیت محدود است! موفقیت ما هیچ محدودیتی برای دیگران به وجود نمی‌آورد. همه افراد کره زمین می‌توانند به موفقیت‌های بسیار بزرگی برسند. به موفقیت نباید مانند یک کالا نگاه کنیم که تمام می‌شود. موفقیت بی‌نهایت است. موفقیت را باید به وجود بیاوریم، به همین دلیل است که هیچ‌گونه کمبودی در آن نیست. محدودیت برای مواردی است که ما آن‌ها را می‌خواهیم بخریم یا به دست بیاوریم. ولی وقتی چیزی را به وجود می‌آوریم، دیگر کمبودی ندارد، هر موقع بخواهیم

خلاصه کتاب قانون ۱۰ برابر

می‌توانیم آن را بسازیم. متأسفانه جامعه تلاش دارد که ما را به سمت کمبودها سوق بدهد و این باور را در وجود ما بسازد که نمی‌توانیم همگی موفق بشویم. ولی این یکی از باورهای بسیار مخرب و محدودکننده است. اگر نگاهی به سال‌های اخیر بیندازیم، در ایران و دنیا می‌بینیم که افراد بسیار زیادی به موفقیت‌های بالایی رسیدند و جای شخص دیگری را تنگ نکردند. پس باورهای محدودکننده خودمان را رها کنیم و از موفقیت همه خوشحال بشویم و به سمت اهداف خودمان حرکت کنیم.

فصل ۶:

برای رسیدن به هر موفقیتی، یک اصل را در نظر بگیریم: مسئولیت زندگی خودمان را به عهده بگیریم. خیلی از افراد توانمند فقط به خاطر اینکه دنبال بهانه و مقصر می‌گردند، هیچ‌وقت در زندگی‌شان موفق نمی‌شوند. موفقیت به یک‌باره برای ما اتفاق نمی‌افتد، بلکه در اثر تلاش ما ساخته می‌شود. حالا اگر کسی مسئولیت زندگی را به عهده نگیرد، تلاشی هم نمی‌کند، در نتیجه موفق هم نمی‌شود. پس حواسمان باشد که دست از باور قربانی بودن برداریم و بدانیم که خودمان مسئول زندگی‌مان هستیم. حتی باید بدانیم در مواردی که ما هیچ تقصیری در به وجود آمدن آن‌ها نداریم، باز هم باید برای بهبود شرایط زندگی خودمان اقدام کنیم و دنبال این نباشیم که شخص دیگری اوضاع را بهتر کند. در این شرایط به جای گشتن به دنبال مقصر، باید دنبال راهی برای بهبود شرایط باشیم و همچنین راهی پیدا کنیم که دیگر این مشکل به وجود نیاید. وقتی ما قبول می‌کنیم که وظایف زندگی ما به دوش خودمان است، همیشه دنبال راه‌هایی برای بهبود آن هستیم، در نتیجه خلاق‌تر و پرتلاش‌تر می‌شویم و نتایج بهتری به دست می‌آوریم. یک نکته مهمی را که باید بدانیم، این است که افرادی که مسئولیت زندگی را به عهده نمی‌گیرند، در واقع خودشان را قربانی می‌دانند و یک قربانی هیچ‌وقت نمی‌تواند تلاش زیاد بکند و موفق شود.

فصل ۷:

خلاصه کتاب قانون ۱۰ برابر

برای رسیدن به موفقیت نباید دنبال راه میانبر و عجیب باشیم. هر چه تلاش مستمر و بیشتری داشته باشیم، بیشتر موفق می‌شویم. در کل رویکرد افراد در مقابل تلاش ۴ نوع است:

دسته اول هیچ تلاشی نمی‌کنند.

این افراد پذیرفته‌اند که شکست خوردند و خود را قربانی می‌دانند. در واقع آن‌ها افرادی کسل و بی‌هدف هستند که فقط زنده‌اند و همیشه در حال بهانه‌تراشی‌اند.

دسته دوم افرادی هستند که جا زدند و عقب‌نشینی کردند.

این افراد به خاطر یک یا چند تجربه شکست، تصمیم می‌گیرند دیگر خودشان را به‌زحمت نیندازند.

در واقع این افراد می‌ترسند باز هم شکست بخورند.

این‌ها هم مثل دسته اول، دستاوردی ندارند و در حال توجیه خود برای عقب‌نشینی‌شان هستند.

دسته سوم معمولی‌ها هستند.

این افراد سطح متوسط جامعه را تشکیل می‌دهند.

آن‌ها به اندازه‌ای تلاش می‌کنند که زندگی معمولی را بگذرانند.

این افراد در شرایط معمولی، هیچ مشکلی ندارند ولی در بحران‌ها خیلی در خطر می‌افتند و زندگی‌شان دچار چالش شدید می‌شود.

معمولاً این افراد مورد احترام همه هستند، چون در حال تلاش برای زندگی خودشان هستند.

و به همین دلیل کسی از آن‌ها انتقاد نمی‌کند و آن‌ها هم خودشان را با زندگی معمولی راضی می‌کنند.

و اما دسته چهارم، افراد فوق‌العاده موفق هستند.

این افراد تلاشی بسیار زیاد انجام می‌دهند و تبدیل به اسطوره‌ها و افراد بسیار موفق جامعه می‌شوند.

افراد خیلی موفق، همیشه در حال رشد و پیشرفت و تلاش هستند و هر مشکلی هم سر راهشان سبز شود، آن‌ها دست از هدف برنمی‌دارند و با تمام وجود آن مشکل را حل می‌کنند.

در سطح چهارم، همیشه مشکلاتی خارج از زندگی معمولی افراد وجود دارد و افراد موفق سعی در حل آن‌ها دارند.

برخلاف سه دسته اول، افراد پرتلاش نگران ساعت کاری نیستند تا زمانی که مسائل را حل نکنند کار ادامه دارد.

خلاصه کتاب قانون ۱۰ برابر

این افراد معمولاً در ابتدای مسیر مورد انتقاد قرار می‌گیرند، چون باعث می‌شود تنبلی سه دسته دیگر بیشتر به چشم بیاید. ولی بعد از مدتی این افراد تبدیل به اشخاصی مشهور و فوق‌العاده موفق می‌شوند.

فصل ۸:

افرادی که در فصل قبل در سطوح ۱ و ۲ قرار داشتند، تکلیفشان با خودشان معلوم است. ولی افراد دسته سوم یعنی معمولی‌ها بیشترین ریسک را در زندگی دارند. این افراد به معمولی بودن عادت می‌کنند و به همین دلیل دست از آرزوها و اهداف خودشان می‌کشند. معمولی‌ها بعد از مدتی خسته می‌شوند و فقط طبق عادت معمولی بودن به زندگی‌شان ادامه می‌دهند. متأسفانه این افراد حتی به اندازه تلاششان هم نتیجه نمی‌گیرند، چون معمولاً در حال حل بحران‌های زندگی هستند. این افراد با موفقیت‌های کوچک خودشان را راضی می‌کنند ولی کاملاً زندگی شکننده‌ای دارند. در واقع افراد متوسط جامعه، همیشه به دنبال ثبات در دنیا هستند و هر تغییری برایشان عذاب‌آور و مشکل‌ساز است. در حالی‌که دنیا همیشه در حال تغییر است و این افراد دائماً در مشکلات خواهند بود.

فصل ۹:

یکی از دلایل عدم موفقیت اکثر افراد، نداشتن هدف‌های بزرگ است. وقتی هدف کوچکی داریم، در همان حد هم برایش تلاش می‌کنیم. هیچ‌وقت هدفی انتخاب نکنیم که با سطح تلاش فعلی و سطح اطلاعات فعلی‌مان به آن برسیم. اهداف ما بسیار بزرگ، دور از دسترس و حتی ترسناک باشد تا در ما انگیزه به وجود بیاورد. فقط با انتخاب چنین هدف‌هایی می‌توانیم به سطح تلاش فوق‌العاده برسیم و نتایج عالی به دست بیاوریم. همیشه باید برای رسیدن به اهدافمان یک دلیل مشخص هم داشته باشیم. این دلیل همیشه انگیزه ما را حفظ می‌کند و ما را مجاب به تلاش بسیار زیاد می‌کند. نویسنده عنوان می‌کند برای رسیدن به اهداف مالی، حتماً یک دلیل هم داشته باشیم.

خلاصه کتاب قانون ۱۰ برابر

مثلاً اگر یک میلیارد تومان پول می‌خواهیم، باید برای آن یک دلیل داشته باشیم. مثل بهبود زندگی خودمان و خانواده‌مان. مثل کمک به افرادی که می‌شناسیم و ... این اهداف در کنار دلایل آن‌ها باعث می‌شوند انرژی لازم برای تلاش‌های ده برابری را داشته باشیم.

در راه انتخاب هدف مراقب باشیم که حتماً این اهداف متعلق به خودمان باشد و تحت تأثیر دیگران آن را انتخاب نکرده باشیم.

نکته دیگری که همیشه باید مدنظر داشته باشیم، این است که هر روز هدفمان را برای خودمان مرور کنیم.

فصل ۱۰ :

وقتی دنبال رقابت با بقیه باشیم، تمام فکر و تمرکزمان روی کار آن‌هاست. رقابت با بقیه خلاقیت را از بین می‌برد. به جای اینکه دنبال رقابت با بقیه باشیم، دنبال انجام کارهای نوآورانه و خلاقانه باشیم.

هیچ شخص موفقی به دنبال کپی‌برداری از بقیه نیست. بلکه افراد موفق خودشان را بهبود می‌دهند و همیشه دنبال این هستند که پیشرو باشند.

کارهایی را باید انجام دهیم که دیگران حوصله انجامشان را ندارند. به این ترتیب نتایجی می‌گیریم که آن‌ها نمی‌توانند بگیرند.

وقتی بقیه در حال عقب‌نشینی هستند، ما باید با سرعت خودمان را توسعه بدهیم. پس هدفمان را روی پیروزی بر بقیه متمرکز نکنیم، بلکه روی هدف‌های بزرگ و اختصاصی خودمان کار کنیم.

دائماً برای هدف خودمان تلاش کنیم، بهبود مستمر بدهیم و آن هدف را برای خودمان کنیم.

باید تبدیل به نفر اول حوزه خودمان باشیم و آن قدر سروصدا کنیم که دیده بشویم. وقتی دیده می‌شویم، احتمالاً مشکلات جدیدی را تجربه خواهیم کرد که نشان‌دهنده قرار گرفتن در مسیر رشد و پیشرفت است.

پس دست از رقابت برداریم و با تلاش و طرز فکر ده برابری، کاری کنیم که به‌عنوان یک پیشرو شناخته شویم.

فصل ۱۱ :

خلاصه کتاب قانون ۱۰ برابر

همان طوری که در فصل‌های قبلی توضیح داده شد، طبقه متوسط خطرناک‌ترین بخش جامعه است.

طبقه متوسط جامعه، طرز فکر متوسط دارند و این طرز فکر باعث وجود مشکلات و شکست‌های زیادی برای این دسته می‌شود.

وقتی در این طبقه قرار می‌گیریم، همه چیز کاملاً معمولی و متوسط است.

این افراد فقط شرایط زندگی کاملاً معمولی را دارند و خودشان را با آن راضی می‌کنند.

پس باید مراقب باشیم درگیر تبلیغاتی که برای این طبقه می‌شود، نشویم.

تبلیغاتی مثل یک کسب‌وکار با حقوق معمولی، خانه‌ای اجاره‌ای یا خرید یک خانه معمولی،

داشتن تفریحات عادی و ...

این دسته از افراد در زندگی‌شان دائماً در حال حل مشکلات و بحران‌ها هستند و

همیشه رسیدن به طبقه متوسط برایشان یک رؤیاست. چون طرز فکرشان متوسط است.

فصل ۱۲ :

نویسنده معتقد است برای رسیدن به موفقیت در سطح بسیار بالا، نیاز است نگاهی وسواسی به اهداف و ایده‌هایمان داشته باشیم.

باید آن قدر مشتاق رسیدن به اهداف و موفقیت‌های دلخواه‌مان باشیم که بدون

رسیدن به آن‌ها، به هیچ وجه عقب‌نشینی نکنیم.

باید بی‌چون‌وچرا به هدف‌های بزرگ خودمان متعهد باشیم و تلاشی ده برابری برای آن‌ها

انجام دهیم.

بخش عمده‌ای از مردم، یا تلاشی نمی‌کنند یا فقط به اندازه گذران زندگی سعی می‌کنند.

ولی موفق‌ها به صورت وسواس گونه تلاش می‌کنند.

باید هر لحظه، هر فکر، هر اقدام و هر روزمان تلاشی برای رشد و موفقیت باشد.

باید آن قدر نسبت به این اهداف، مشتاق باشیم که کارهایی که در راستای آن‌ها انجام

می‌دهیم، برایمان کار نباشد، یک تفریح و علاقه باشد.

ممکن است در شروع کار به ما القابی مثل دیوانه یا معتاد به کار بدهند. ولی هنگام

موفقیت این نام‌ها تبدیل به اسطوره، نابغه، باهوش و ... می‌شود.

پس حواسمان باشد همیشه اهداف بزرگی داشته باشیم که برای رسیدن به آن‌ها

قلبمان بتپد و با شور و اشتیاق فراوان آن‌ها را به دست بیاوریم.

فصل ۱۳ :

خلاصه کتاب قانون ۱۰ برابر

اکثر جامعه به دنبال این هستند که شکست نخورند، برای همین زیاد تلاش نمی‌کنند. یک جای امن می‌مانند تا مشکلی برایشان به وجود نیاد خیلی از افراد به جای اینکه به دنبال به دست آوردن اهداف و موفقیت‌های بزرگ باشند، دنبال این هستند که از شکست فرار کنند. ولی برای اینکه موفق باشیم، باید از این طرز فکر بیرون بیاییم. خیلی زیاد تلاش کنیم و بر ایمان مهم نباشد چند بار تلاشمان به نتیجه نرسیده، آن قدر ادامه بدهیم تا به موفقیت برسیم. تا وقتی که از مسیر موفقیت کنار نکشیم، شکستی معنی ندارد. با تمام وجود تلاش کنیم، مطمئن باشیم بالاخره به نتایج عالی می‌رسیم، ولی شرطش این است که هیچ وقت کم نیاوریم. بدون استفاده از تمام توان و انرژی، موفقیت معنی ندارد. همه توانمان را باید به کار بگیریم. برای اینکه بتوانیم خیلی زیاد کار کنیم، باید بیش از اندازه تعهد بدهیم: به مشتری، خانواده، همکاران و ... این طور مجبور می‌شویم بیش از حد کار کنیم و مشکلات را حل کنیم و به تعهدمان عمل کنیم. هر وقت مشکل جدیدی بر ایمان به وجود آمد، به جای ناراحتی، حلش کنیم و مسیرهای جدید را پیدا کنیم تا بتوانیم به تعهداتمان عمل کنیم.

فصل ۱۴ :

هیچ وقت فکر عقب‌نشینی نکنیم. همیشه دنبال رشد، تولید و توسعه باشیم و سعی کنیم همواره خودمان و کسب‌وکارمان را گسترش بدهیم. اگر شرایط جوری شد که مجبور به عقب‌نشینی و کم کردن حجم کسب‌وکارمان شدیم، باید بدانیم که این موضوع کاملاً موقتی است و نباید اجازه بدهیم زمان زیادی طول بکشد. از این زمان برای تجدیدقوا استفاده کنیم. وقتی همیشه آماده رشد باشیم، فرصت‌های عالی را شکار می‌کنیم و هنگامی که بقیه متوقف هستند، می‌توانیم به راحتی سبقت بگیریم. زیاد به صحبت‌ها و تحلیل‌ها توجه نکنیم و بدانیم که همیشه باید رشد کنیم. وقتی اغلب افراد در حال کوچک کردن کسب‌وکارهایشان هستند، این یک نشانه است که باید حمله کنیم و بازار را تصاحب کنیم. همواره دنبال فرصت‌ها باشیم و خودمان را به بازار اثبات کنیم.

فصل ۱۵ :

خلاصه کتاب قانون ۱۰ برابر

هیچ وقت دست از کار نکشیم. خیلی‌ها به نتایج و موفقیت‌های قبلی خودشان افتخار می‌کنند و کار را کنار می‌گذارند. هیچ وقت اجازه ندهیم نور و گرمای آنش کسب‌وکارمان کم شود. دائماً باید با کار کردن به آن هیزم اضافه کنیم تا شعله‌هایش بیشتر شود. تلاش همیشگی و مستمر و زیاد، راحت‌ترین و طبیعی‌ترین راه موفقیت است. موفقیت را باید بسازیم و همیشه از آن مراقبت کنیم تا گسترش پیدا کند. رقابت برای کسانی است که در سطح عادی تلاش می‌کنند، فوق موفق‌ها تلاش خیلی زیاد می‌کنند و هیچ وقت متوقف نمی‌شوند. همیشه در حال تلاش برای پیشرفت و دیده شدن باشیم تا حسابی معروف شویم.

فصل ۱۶ :

وقتی که در زندگی شرایط عادی است و هیچ ترسی نداریم، معلوم است که هیچ کار خاصی نمی‌کنیم و قطعاً دستاورد زیادی به دست نمی‌آوریم. وقتی هیچ ترسی نداریم، باید بترسیم. چون هیچ پیشرفتی صورت نمی‌گیرد. اغلب ترس‌های ما درونی هستند و در واقعیت اصلاً اتفاق نمی‌افتند. ترس نشانه‌ای برای رشد است. وقتی از چیزی می‌ترسیم، به‌جای اینکه از آن فرار کنیم، به سمتش حمله کنیم. هرچه انجام کار را به تعویق بیندازیم، ترسش بیشتر می‌شود. پس وقتی ترسی به وجود می‌آید بلافاصله اقدام کنیم و نگذاریم ترس بزرگ بشود. پس ترس یک نشانه خیلی خوب است: به ما می‌گوید چه کاری را باید الان انجام دهیم. همیشه این موضوع را به خودمان یادآوری کنیم: اگر کاری را انجام دهیم و شکست بخوریم، خیلی بهتر از این است که اقدام نکنیم و کس دیگری را ببینیم که همان کار را انجام می‌دهد.

فصل ۱۷ :

ما باید همیشه دنبال کاری باشیم که به هدف‌هایمان برسیم. در واقع در زمانی که داریم، به اندازه کافی کار و تلاش کنیم. ولی اکثر افراد زمان خودشان را تلف می‌کنند و بعدش به دنبال برنامه‌ریزی هستند! اغلب افراد خودشان را سرگرم می‌کنند و کار خیلی مهمی در روز انجام نمی‌دهند. تنها راه برای مدیریت زمان، این است که از زمانی که داریم بیشترین بهره را ببریم و بیشترین کار را انجام دهیم.

خلاصه کتاب قانون ۱۰ برابر

کنترل زمانمان را خودمان در اختیار بگیریم و اجازه ندهیم بقیه افراد زمان ما را در اختیار خودشان بگیرند.

برای اینکه مدیریت زمان خوبی داشته باشیم، اول مشخص کنیم به چه چیزهایی می‌خواهیم برسیم و بعد مشخص کنیم به هر کدام از کارهایی که برای رسیدن به این موفقیت‌ها باید انجام دهیم، چقدر زمان اختصاص می‌دهیم. و بعد برای خودمان یک گزارش بنویسیم که زمانمان را چطور گذرانیدیم. (هر لحظه را یادداشت کنیم).

به این شیوه زمان‌های تلف‌شده را به راحتی شناسایی می‌کنیم. هر کاری که ما را به موفقیت نرساند، وقت تلف کردن است. هیچ‌کس قرار نیست زندگی ما را بسازد جز خودمان و تنها راه ساخت موفقیت، استفاده از لحظه‌لحظه زندگی‌مان است.

فصل ۱۸ :

همه ما از انتقاد بدمان می‌آید ولی در مسیر رشد و موفقیت حتماً با آن روبرو می‌شویم. دیگران عادت دارند بر اساس دیدگاه‌های خودشان از کارها و اقدامات بقیه انتقاد کنند. وقتی کارهای ما به چشم بقیه می‌آید، آن‌ها به‌طور ناخودآگاه شروع به قضاوت می‌کنند. اغلب افراد، به موفقیت بقیه حسادت می‌کنند و به همین دلیل از افراد موفق ایراد می‌گیرند و انتقاد می‌کنند.

این افراد همیشه ناراحت، به بقیه می‌گویند تلاش نکنند، چون با تلاش آن‌ها تنبلی خودشان بیشتر به چشم می‌آید.

پس از این که مورد قضاوت و انتقاد بقیه قرار بگیریم، ناراحت نشویم و بدانیم که این یک عکس‌العمل طبیعی از طرف این افراد است. البته قطعاً وقتی موفقیت بزرگ اتفاق بیافتد، اکثر این افراد منتقد تبدیل به مشوقان ما می‌شوند.

فصل ۱۹ :

اکثر کسب‌وکارها فقط روی بیشتر کردن رضایت مشتریان تمرکز می‌کنند. این کار خیلی خوب است ولی در کنار آن، ما باید تعداد مشتریان خودمان را هم بیشتر کنیم. اگر تعداد محدودی مشتری وفادار داشته باشیم و هیچ برنامه‌ای برای افزایش تعداد مشتریان نداشته باشیم، دچار مشکل خواهیم شد. پس ما باید در ابتدا تمرکزمان روی جذب مشتری باشد و بعد به آن‌ها خدمات یا کالاهای خودمان را به شکلی ارائه دهیم که راضی باشند.

خلاصه کتاب قانون ۱۰ برابر

همیشه سعی کنیم به مشتریانمان بیشتر از مقداری که به آنها تعهد دادیم ارائه کنیم. در واقع ما باید هم به دنبال کمیت باشیم (افزایش مشتری) و هم به دنبال کیفیت (ارائه خدمات و کالای عالی به مشتریان)

فصل ۲۰:

به عقیده نویسنده، چیزهای فوق‌العاده ارزشمند همه‌جا در دسترس هستند. (مثل هوا و آب و برق و ...) ما هم برای موفقیت در کسب‌وکارمان نیاز داریم که همیشه به چشم بیاییم و همه‌جا حاضر باشیم. در واقع وقتی افراد یک برند را دائماً می‌بینند، به آن وابسته می‌شوند و آن برند ارزشمندتر می‌شود. در دنیای امروزی که پر از اطلاعات و رقیب برای هر کسب‌وکاری است، ما باید کاری کنیم که مشتری همیشه ما را در ذهن داشته باشد. پس ما باید بر گمنامی خودمان غلبه کنیم. باید آن‌قدر تلاش کنیم و برند و کسب‌وکارمان را نشان دهیم تا همه ما را بشناسند. باید طرز فکر بزرگ داشته باشیم و از هدف‌های کوچک دور باشیم. هدف‌های بزرگ مخصوصاً در حوزه کسب‌وکار فقط با تلاش زیاد و دیده شدن در بین مردم به دست می‌آیند. باید کاری کنیم که در هر لحظه، در بیشترین جای ممکن حاضر باشیم. در نمایشگاه‌ها، در بین مردم، در دنیای اینترنت و ...

فصل ۲۱:

برای رسیدن به موفقیت، یک موضوع را باید همیشه یادمان باشد: بهانه‌ها را کنار بگذاریم و مسئولیت زندگی را به عهده بگیریم. بهانه‌جویی، کار افراد بازنده و قربانی است و این افراد همیشه در رده‌های متوسط و ضعیف قرار می‌گیرند. در حالی که برنده‌ها و موفق‌ها هیچ‌وقت دنبال مقصر نیستند، مسئولیت زندگی را به عهده می‌گیرند و نتایج دلخواه را به دست می‌آورند. وقتی بهانه می‌آوریم، دیگران را مقصر می‌دانیم و کاری برای بهبود انجام نمی‌دهیم. ولی وقتی مسئولیت زندگی خودمان را به عهده می‌گیریم، در مقابل سختی‌ها و مشکلات به دنبال راه‌حل هستیم.

خلاصه کتاب قانون ۱۰ برابر

فصل ۲۲:

- برای موفق شدن، باید روش موفق‌ها را پیش بگیریم. نویسنده در این فصل، ۳۲ ویژگی افراد موفق را بیان می‌کند:
- ۱- نگرش «من می‌توانم» را در خودمان توسعه بدهیم. همیشه در برابر کارهای مختلف به خودمان یادآوری کنیم که من می‌توانم و از عهده‌اش برمی‌آیم.
 - ۲- باور «من راهش را پیدا می‌کنم» را در خودمان به وجود بیاوریم. هیچ‌وقت در برابر یک مسئله دنبال بهانه نباشیم و نگوئیم نمی‌دانم چی کار کنم! اگر چیزی را نمی‌دانیم ایرادی ندارد، ولی باید بلافاصله دنبال یادگیری باشیم. همیشه دنبال پیدا کردن راه‌های حل مسائل باشیم.
 - ۳- فرصت‌ها را شکار کنیم در تمام اتفاقات، حداقل یک فرصت برای موفق‌ها وجود دارد. موفقیت یعنی حل کردن مشکلات و چالش‌ها. پس وقتی یک سختی به وجود می‌آید به دنبال حل آن مشکل و تبدیلیش به یک فرصت باشیم.
 - ۴- از چالش‌ها لذت ببریم و آن‌ها را دوست داشته باشیم. همان‌طوری که در مورد ۳ بیان شد، چالش‌ها همیشه فرصت‌هایی در دل خودشان دارند. چالش‌ها باعث بالا رفتن توانایی و تجربه ما می‌شوند و ما را به موفقیت نزدیک‌تر می‌کنند.
 - ۵- مسائل را حل کنیم افراد موفق دنبال مشکلات می‌گردند تا آن‌ها را حل کنند و ارزش‌آفرینی کنند. با این شیوه باعث می‌شوند اوضاع برای همه بهتر شود و خودشان موفق‌تر شوند. پس دنبال مشکلاتی باشیم که باید حلشان کنیم.
 - ۶- استمرار اگر قصد موفقیت داشته باشیم، باید به‌شدت سمج باشیم و در مسیرمان استمرار داشته باشیم.
 - ۷- ریسک ناموفق‌ها همیشه از انجام کارهای بزرگ می‌ترسند چون ریسک دارد. باید مسیر خودمان را از آن‌ها جدا کنیم و دنبال ناشناخته‌ها برویم.
 - ۸- غیرمنطقی باشیم! برای رسیدن به موفقیت‌های بزرگ، باید غیرمنطقی کار و تلاش کنیم.

خلاصه کتاب قانون ۱۰ برابر

کدام آدم منطقی دوست دارد دنبال مشکلات برود و ریسک کند و تلاش خیلی زیاد کند؟ پس زیاد به منطق دیگران کاری نداشته باشیم و خیلی زیاد برای موفقیت تلاش کنیم.

۹- در خطر باشیم

از دوران بچگی یک جمله را خیلی خوب یادمان هست: مواظب باش

این جمله در بزرگسالی هم همراه ما آمده و ما همیشه می‌خواهیم مواظب باشیم که خطر نکنیم.

ولی موفقیت‌های بزرگ با محتاط بودن هم‌خوانی ندارد.

البته خیلی خوب است که برای اینکه در این راه سربلند باشیم، حتماً آموزش ببینیم تا مسیر پرخطر را به‌خوبی سپری کنیم.

۱۰- ثروت‌ساز باشیم.

پول خلق کنیم، ارزش بیافرینیم، ثروت‌ها را به وجود بیاوریم.

دنبال حقوق گرفتن و پس‌انداز و زندگی معمولی نباشیم.

با تلاش و ایده‌های جدید و ارزش‌آفرینی، ثروت ایجاد کنیم.

به‌جای پس‌انداز، سرمایه‌گذاری را یاد بگیریم.

۱۱- اقدام فوری.

موفق‌ها خیلی سریع دست به اقدام می‌زنند و همیشه در حال تلاش هستند.

وقت را تلف نکنیم و خیلی سریع مسیرمان را شروع کنیم.

۱۲- بله بگوییم

باید به درخواست‌هایی که در زندگی شخصی و کارمان می‌شود بله بگوییم و برای

خودمان مسئولیت‌هایی ایجاد کنیم که مجبور به تلاش بیشتر شویم.

(به اعتقاد من باید فقط به درخواست‌هایی بله بگوییم که ما را به اهدافمان نزدیک‌تر

می‌کند و اگر درخواستی در کار یا زندگی شخصی ما شد که باعث دور شدنمان از

اهدافمان می‌شد، باید آن را رد کنیم. مهدی کاردان)

۱۳- متعهد باشیم

انسان‌های متعهد همیشه نتایج بزرگ می‌گیرند.

باید به خودمان و زندگی و کار و خانواده‌مان تعهد بدهیم که موفقیت را برایشان

می‌سازیم و تمام تلاشمان را برای این تعهد بکنیم.

۱۴- تا ته خط برویم

کارهای نصفه و نیمه هیچ فایده‌ای ندارند.

فقط کسانی که تا ته خط می‌روند می‌توانند نتایج عالی به دست بیاورند.

پس هیچ وقت کم نیاوریم و دل‌سرد نشویم.

۱۵- فقط روی زمان حال متمرکز باشیم.

ناموفق‌ها همیشه در گذشته سیر می‌کنند.

در حالی که موفق‌ها تمام تمرکزشان روی زمان حال است و از الآن استفاده می‌کنند تا

آینده را بسازند.

خلاصه کتاب قانون ۱۰ برابر

۱۶- شجاع باشیم

اگر کاری آسان باشد و انجام بشود، هیچ نتیجه بزرگی در بر ندارد. افراد موفق همیشه شجاع هستند، چون کارهایی انجام می‌دهند که هم خودشان هم بقیه از آن‌ها می‌ترسند.

با انجام این کارهاست که نتایج بزرگ به دست می‌آورند

۱۷- به استقبال تغییرات برویم

همیشه دنبال بهبود شرایط باشیم.

وقتی تغییر ایجاد شد، به جای اینکه در مقابل آن مقاومت کنیم، از آن استقبال کنیم و خیلی سریع با آن همگام بشویم.

۱۸- روش درست را اجرا کنیم.

خیلی از افراد را می‌بینیم که تلاش زیاد می‌کنند ولی نتیجه عالی نمی‌گیرند. چون این افراد در مسیر غلطی هستند.

باید تلاش زیاد را در مسیر درست انجام دهیم.

پس همیشه مسیر و روش خودمان را مرور کنیم و مشکلات آن را اصلاح کنیم تا به نتایج دلخواه برسیم.

۱۹- روش‌های سنتی را به چالش بکشیم

افراد خیلی موفق دنبال تغییرات کوچک نیستند، آن‌ها روش‌های سنتی را به‌طور کامل تغییر می‌دهند و روش‌های جدیدی را خلق می‌کنند.

به جای اینکه پیرو روش‌های قدیمی باشیم، روش‌های جدید بسازیم و تغییرات را ایجاد کنیم.

۲۰- هدف‌دار باشیم.

اگر در زندگی هدف‌های درست و حسابی نداشته باشیم و برایشان تلاش نکنیم، احتمالاً در حال کمک به دیگران هستیم که به اهدافشان برسند. روی هدفمان تمرکز کنیم.

۲۱- برای خودمان مأموریت تعیین کنیم.

زندگی روزمره کار افراد معمولی است.

موفق‌ها مأموریت‌های بزرگی در زندگی خودشان دارند.

به شغل‌مان به نگاه یک کار معمولی نگاه نکنیم، آن را یک مأموریت برای یک هدف بزرگ در نظر بگیریم تا بتوانیم بهترین کارها را در آن انجام دهیم.

۲۲- پرانگیزه باشیم.

برای اینکه بتوانیم به موفقیت‌های بزرگ برسیم، باید همیشه انگیزه خودمان را حفظ کنیم.

موفق‌ها همیشه دنبال راه‌های افزایش انگیزه هستند.

هر نتیجه‌ای که به دست می‌آوریم، یک هدف سطح بالاتر برای خودمان مشخص کنیم تا بتوانیم انگیزه خودمان را در سطح بالا حفظ کنیم.

خلاصه کتاب قانون ۱۰ برابر

- ۲۳- نتیجه گرا باشیم. تلاش زیاد بدون نتیجه، بی‌فایده است. باید آن‌قدر تلاش کنیم تا نتایج دلخواه را به دست بیاوریم.
- ۲۴- اهداف بزرگ داشته باشیم. آدم‌های موفق هیچ‌وقت دنبال اهداف کوچک نیستند. بلندپرواز باشیم و به دنبال رؤیایها و اهداف بزرگ برویم.
- ۲۵- واقعیت زندگی خودمان را خلق کنیم. هیچ‌وقت خودمان را با عقاید و واقعیت‌های زندگی دیگران محدود نکنیم. همیشه به دنبال خلق و زندگی رؤیایی خودمان باشیم.
- ۲۶- اول تعهد دادن، بعد پیدا کردن راه‌های رسیدن ناموفق‌ها می‌خواهند همه‌چیز را بدانند و بعد شروع کنند. ولی راه موفقیت برعکس است. ابتدا باید یک تعهد بزرگ برای خودمان مشخص کنیم و حرکت کنیم و در طول مسیر راه‌حل را پیدا کنیم.
- ۲۷- اخلاق را فراموش نکنیم. اگر تلاش زیاد نکنیم و موفقیت‌های بزرگ را به دست نیاوریم، ما یک سارق به حساب می‌آییم. سارقی که برای خودمان و خانواده و جامعه‌مان کم گذاشتیم. وقتی خداوند این همه نعمت برای ما آفریده، اگر به آن‌ها بی‌توجه باشیم و آن‌ها را به دست نیاوریم و از آن‌ها استفاده نکنیم، اخلاق را زیر پا گذاشتیم.
- ۲۸- به اطرافیان خودمان اهمیت بدهیم. محال است ما بتوانیم نتایج فوق‌العاده بگیریم، اگر در بین افراد با طرز فکر و عملکرد ضعیف باشیم.
- هم باید با افرادی در ارتباط باشیم که به دنبال موفقیت هستند، هم کمک کنیم بقیه رشد کنند تا شرایط همه‌مان بهتر شود.
- ۲۹- هیچ‌وقت یادگیری را کنار نگذاریم. هیچ فرد موفقی نیست که اهل آموزش و یادگیری نباشد. همیشه باید در حال رشد و توسعه خودمان باشیم و مسائلی که یاد می‌گیریم را در زندگی و کارمان اجرا کنیم.
- ۳۰- منطقه راحتی را رها کنیم. همه ما وسوسه می‌شویم که در یک جای آرام بنشینیم و استراحت کنیم ولی این کار دشمن موفقیت است. هر وقت احساس کردیم که در یک‌جای امن و راحت قرار داریم، بلافاصله یک هدف تعهد جدید ایجاد کنیم.
- ۳۱- دوستان موفق‌تر از خودمان انتخاب کنیم. سعی کنیم با کسانی در ارتباط باشیم که از ما بهترند. این کار باعث می‌شود ما هم رشد کنیم.

خلاصه کتاب قانون ۱۰ برابر

افراد دوروبر ما نقش زیادی در رشد ما دارند.
۳۲-انضباط

برای اینکه در تمام زمینه‌های زندگی موفق باشیم، باید تبدیل به انسان منضبط بشویم. نظم چیزی است که باعث می‌شود ما کارهایمان را انجام دهیم و به اتمام برسانیم. باید همیشه کارهایی که لازم است را انجام دهیم؛ و این موضوع فقط با انضباط بالا به دست می‌آید.

فصل ۲۳:

افراد موفق فقط ۲ تا زمان دارند.
زمان حال برای فعالیت و رشد، زمان آینده برای ساختن.
همین امروز باید شروع کنیم و صبر نکنیم. منتظر شرایط ایده‌آل نباشیم. شروع کنیم و از فرصت‌های مسیرمان استفاده کنیم.
این ما هستیم که باید زندگی‌مان را بسازیم.
هیچ وقت دست از تلاش برنداریم و کاری به کار دیگران نداشته باشیم.